

تهدیدهای پیش روی تاریخ شفاهی ایثار و شهادت

علی‌اکبر مرتضای قهرودی^۱

چکیده

توسیدید (Thucydide) مورخ یونانی در ۲۵۰۰ سال قبل، در نوشتن کتاب جنگ پلوپونزی (Peloponnesian War) از روش مصاحبه بهره برده است. این اولین بهره‌گیری از تاریخ شفاهی در تألیف خاطرات جنگ در تاریخ جهان است. برای بررسی یک موضوع تاریخی باید مدتی قابل قبول از پایان آن سپری شود تا آثار و تبعات موضوع ته‌نشین شده و شکل طبیعی خود را بازابد تا امکان بررسی صحیح از ابعاد مختلف فراهم شود. از جنگ عراق علیه ایران به عنوان طولانی‌ترین نبرد کلاسیک در قرن بیستم و دومین جنگ طولانی این قرن پس از جنگ ویتنام ۲۵ سال می‌گذرد و این زمانی کافی برای جمع‌آوری اسناد، نظرات و شروع بررسی علمی جنگ و تألیف یافته‌ها در حوزه تاریخ شفاهی ایثار و شهادت به عنوان نوع جدیدی از تاریخ‌نویسی در ایران است. از آنجایی که جهاد رزمندگان برای دفاع از تمامیت ارضی و حفظ اسلام و به عنوان تکلیف شرعی انجام شده، بر اهمیت موضوع افزوده است. در این مسیر تهدیدهایی وجود دارد که در این مقاله آنها را براساس تجارب داخلی و خارجی و با بیان برخی مصادیق موجود بررسی می‌کنیم؛

- فقدان مبانی تئوریک، علمی و الگوی واحد در این عرصه و عدم حمایت مراکز آکادمیک.
 - خودداری از بیان برخی از خاطرات با این اعتقاد که از ارزش معنوی آن کاسته خواهد شد.
 - عدم حضور صاحب و مالک اصلی خاطره (شهادت) و تردید در انعکاس خاطراتشان به وسیله دیگران.
 - قرار گرفتن موضوع در هاله‌ای از قداست و با ضریب بالایی از احساسات که از دقت موضوع می‌کاهد.
 - تخصصی بودن موضوع که لزوم حضور مصاحبه‌گر باتجربه در عرصه دفاع مقدس را می‌طلبد.
 - غیرطبیعی بودن مکان وقوع خاطرات و محدودیت‌های موجود در این زمینه که از نظر جسمی و روانی محدودیت‌هایی را متوجه فرد مصاحبه‌شونده می‌نماید.
 - ترس از برملا شدن اسناد و رموز جنگ و افتادن در ورطه‌ی خودسانسوری غیرضروری.
 - عدم توجه به تمامی اقوام ایرانی و سیطره‌ی زبان فارسی در این عرصه از تاریخ شفاهی.
 - روحیه‌ی برتری‌جویی بر دشمن و مبارزه که ممکن است خاطرات دفاع مقدس را به اغراق نزدیک سازد.
- کلیدواژه‌ها:** تهدید، تاریخ شفاهی، ایثار و شهادت

مقدمه

دو عامل مهم تاریخی در ایران یکی «پیروزی انقلاب اسلامی ایران» و سقوط رژیم پهلوی در سال ۱۳۵۷ و خروج تعداد زیادی از مسئولان و مقامات دولتی و حضور در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی و دیگری «تجاوز ارتش عراق به خاک ایران» در شهریور ۱۳۵۹ در قالب جنگ تحمیلی باعث رونق تاریخ شفاهی در ایران شد. وقوع دو حادثه‌ی تاریخی

^۱ - کارشناس ارشد، رئیس گروه برنامه‌ریزی وزارت کشور

مذکور، آن هم با فاصله‌ی اندک از یکدیگر، باعث شد تعداد زیادی از مؤسسات تاریخ شفاهی برای گردآوری خاطرات به دلایل زیاد امنیتی، سیاسی، تاریخی و اجتماعی ترغیب شوند که به دلیل فقدان علم و تجربه در جمع‌آوری اطلاعات و ثبت آن، ما را با حجم زیادی از اطلاعات طبقه‌بندی نشده‌ی غیرقابل استناد مواجه کرده است. تعداد راویان، زیاد و افراد فراموش شده از آن هم زیادتر است که مراکز مطالعات و تحقیقات واحدهای تاریخ شفاهی را با مشکل مواجه ساخته است. هدف فعالان حوزه‌ی تاریخ شفاهی، خروج تاریخ از حالت انحصاری در تمامی حوزه‌های آن است. قبل از هر چیز باید برای فرهنگ‌سازی در تاریخ شفاهی اقدام شود و بررسی راه طی شده و آسیب‌شناسی معضلات و تهدیدهایی که این رشته از تاریخ را هدف قرار داده، در اولویت پژوهش باشد. امروزه به دلیل کم‌توجهی به تاریخ شفاهی، دانش عموم نسبت به آن ضعیف شده است و اغلب حتی تعابیر نادرست و گوناگونی از مفهوم تاریخ شفاهی در اذهان علاقه‌مندان و مخاطبان این حوزه وجود دارد. به قول مورخان آمریکایی با بی‌اطلاعی اعجاب‌انگیزی روبه‌رو شده‌ایم (Swain, 1965).

اگر براساس توافق موجود بین متخصصان و صاحب‌نظران، تاریخ شفاهی را یکی از تکنیک‌ها، روش‌ها و شیوه‌های پژوهش تاریخی که به شرح و شناسایی وقایع، رویدادها و حوادث تاریخی براساس دیدگاه‌ها، شنیده‌ها و عملکرد شاهدان، ناظران و فعالان آن ماجراها در قالب کلام و سخن ثبت و ضبط شده بدانیم، مبنای روایت تاریخ براساس بیان راوی با تمام علایق، احساسات و حافظه‌ی شخصی اوست که مستقیم یا غیرمستقیم تأثیر خود را بر انعکاس رویداد تاریخی طرح شده می‌گذارد. بنابراین، از یک واقعه‌ی تاریخی می‌توان روایت‌های کمابیش متفاوت در جزئیات داشت. پس فعالان در عرصه برای حفظ سلامت موضوع و تلاش در نزدیک کردن تاریخ شفاهی به پارامترهای علمی، به اسناد روی می‌آورند و سعی در مستندسازی تاریخ شفاهی دارند.

در نوشتار حاضر، سعی بر آن است تا با بیان تهدیدهای موجود بر سر راه تاریخ شفاهی ایثار و شهادت - که برخی از این معضلات مشکلی مشترک در کل تاریخ شفاهی ایران است - در پی شناسایی و رفع موانع برای رسیدن به نقطه‌ی مطلوب با هدف چگونگی ثبت و ترویج صحیح و علمی فرهنگ ایثار و شهادت در حوزه‌ی تاریخ شفاهی باشیم. بدیهی است شرح کامل تهدیدها در یک مقاله‌ی محدود امکان‌پذیر نیست و می‌توان فقط رئوس آن را بیان کرد و هر موضوع در یک مقاله‌ی مجزا بررسی شود.

موضوع تاریخ شفاهی و یکی از شاخه‌های آن با عنوان «تاریخ شفاهی ایثار و شهادت»، رشته‌ای بسیار نوپاست. بنابراین، تحقیقات مفصل یا گسترده‌ای در این حوزه مشاهده نمی‌شود. در این مقاله تلاش شده است برای تکمیل بحث، نظریات نویسندگان این عرصه نیز ارائه شود.

تهدیدهای پیش روی تاریخ شفاهی ایثار و شهادت

با توجه به بررسی‌های انجام شده از آثار موجود و تجارب ناشی از فرایند و عملکرد کوتاه تاریخ شفاهی در ایران، به طور کلی مهم‌ترین تهدیدهای حاضر در مسیر تاریخ شفاهی ایثار و شهادت به قرار زیر است. با دقتی بیشتر به آسانی می‌توان دریافت این معضلات چنان به هم نزدیک و در هم تنیده شده‌اند که به راحتی قابل تفکیک و حتی به طور مستقل قابل ارزیابی نیستند؛ هرچند تلاش شده است تا ضمن برشمردن آنها براساس نظر فعالان این عرصه به طور مجزا به توضیحی کوتاه در این مختصر بسنده شود.

۱- الگوی واحدی در تحقیقات تاریخ شفاهی وجود ندارد

الگوسازی و تهیهی دستورالعمل علمی واحد و مناسب ناشی از تجارب موجود و برگرفته از مطالعات تطبیقی دیگر کشورهای جهان و بومی کردن این یافته‌ها براساس نیازهای داخل، قابل احصا و ارائه و به کارگیری الگوی واحد به وسیلهی مؤسسات مطالعات و تحقیقات تاریخ شفاهی ایران ضروری به نظر می‌رسد.

واقعیت این است که در حال حاضر به دلیل فقدان مبانی تئوریک و نبود یک الگوی واحد و مورد اتفاق و همچنین عدم آشنایی بیشتر تدوین‌گران با اصول علمی تاریخ و خاطرات شفاهی، وضع تدوین خاطرات در ایران، با موازین علمی و معیارهای رسمی چندان مطابقت ندارد. مشکلات موجود چندوجهی شده؛ خاطره‌ها بیشتر به صورت زندگی‌نامه‌ی خودنوشت شده است و با معروف شدن یک کتاب تمامی سبک‌ها بدان سو متمایل می‌شود، به طوری که از قالب مورد انتظار خارج و هدف اصلی در این آشفته بازار گم شده است و به سوی بازاریابی و شهرت‌گرایی دارد. حتی دقیقاً مشخص نیست چند درصد از کتاب‌های منتشرشده با عنوان خاطرات شفاهی جنگ تحمیلی در هنگام تدوین، دچار حذف و اضافه شده است و هیچ فرد و مرجع رسمی نیز مستقیماً مسئول انتظام این مسئله نبوده و وحدت رویه‌ای مشاهده نمی‌شود. مشخص نیست چند درصد از کتاب‌هایی که با عنوان «خاطرات شفاهی» مربوط به انقلاب یا جنگ تحمیلی منتشر می‌شود، دچار حذف و اضافه شده است (یا حسینی، ۱۳۹۲).

برای مثال، یکی از مهم‌ترین مراحل در کار تاریخ شفاهی، پردازش شواهدی است که در مصاحبه گردآوری می‌شود. تاکنون، معمول‌ترین روش برای این پردازش در تاریخ شفاهی، «تحریر» بوده است. در تحریر، قول شفاهی را مکتوب می‌کنند. این شیوه که تا چندی پیش در میان نهادهای تاریخ شفاهی مقبول بود، چند سالی است که با چالش‌های جدی مواجه شده است، امروزه بعضی از دانشوران تاریخ شفاهی با تحریر در تاریخ شفاهی مخالفند و برآنند که تحریر، سبب تحریف در تاریخ شفاهی می‌شود و در مقابل، بر «شفاهیت» تاریخ شفاهی، به منزله‌ی یکی از مفاهیم بنیادین آن تأکید می‌کنند. از سوی دیگر، بسیاری از فعالان حوزه‌ی تاریخ شفاهی همچنان بر ضرورت تحریر اصرار دارند و از آن دفاع می‌کنند. موافقان تحریر در تاریخ شفاهی نیز خود به همین شیوه عمل می‌کنند؛ بعضی در تحریر، در پی نزدیک کردن گفتار به زبان معیار نوشتاری هستند. بعضی دیگر برآنند که در تحریر گفتار تا آنجا که ممکن است باید به زبان گفتاری وفادار بود. این رویکردهای مختلف باید یکدست و برای همه قابل قبول و به عنوان یک شیوه‌ی واحد به کار آید (هاشمی، ۱۳۹۲). با توجه به زمینه‌ی مساعدی که برای گذار از مرحله‌ی نقلی به مرحله‌های بعدی فراهم آمده است، بعضی نخستین گام در راه تحول را روی آوردن به تاریخ شفاهی ترکیبی و ورود به عرصه‌ی تاریخ‌نگاری شفاهی و در نهایت، پیدایش نخله‌ها و جریان‌ها و مکاتب تاریخ‌نگاری شفاهی می‌دانند.

۲- فقدان ارتباط مستمر بین دانشگاه و مراکز تاریخ شفاهی

متأسفانه یکی دیگر از مشکلات موجود کم‌رنگ بودن ارتباط بین مؤسسات تحقیقاتی تاریخ شفاهی و دانشکده‌های مطالعات تاریخی است. مسئله‌ی فقدان ارتباط بین استادان دانشگاهی و نخبگان و محققان مؤسسات مطالعاتی تاریخ شفاهی چنان محسوس و نتایج نامطلوب آن چنان مشکل‌ساز شده است که به راحتی از کتاب‌های خاطرات چاپ‌شده هویداست.

از نظر حسن‌آبادی، سرپرست گروه اسناد و کارشناس تاریخ شفاهی آستان قدس، تاریخ شفاهی به عنوان روشی نوین در عرصه‌ی جمع‌آوری، نگهداری و سامان‌دهی منابع شفاهی، در کشور ما هنوز نهادینه نشده است. بازنگری مجددی در برداشت از علم تاریخ و تدریس مبتنی بر فرضیه‌ها، عینیت بخشیدن به انگاره‌ها و نمادسازی تاریخی در سطوح مختلف جامعه به منظور هویت بخشیدن دینی و ملی و پر کردن گسست‌های بین نسل‌ها، از ضرورت‌های انکارناپذیر وجود تاریخ شفاهی است. تعداد کم مراکز تاریخ شفاهی، بی‌توجهی دانشگاه‌ها، ناشناخته ماندن اهمیت این روش در جمع‌آوری و سامان‌دهی منابع اطلاعاتی از موانعی است که سد راه گسترش آن است. می‌توان گفت به غیر از گروه تاریخ دانشگاه اصفهان و دانشگاه شیراز که زمینه‌هایی از علاقه به این موضوع را نشان می‌دهد، کمتر دانشگاهی در ایران تاکنون به بحث تاریخ شفاهی به طور جدی و رسمی وارد شده است (حسن‌آبادی، ۱۳۸۷: ۲۰۵).

داشتن پشتوانه‌ی دانشگاهی، نیاز امروز تاریخ شفاهی ایران است. این مهم با تعریف سرفصلی از درسی جدید با عنوان «تاریخ شفاهی» در مجموعه‌ی علوم تاریخ در دانشگاه‌های کشور میسر است. اقدام دانشگاه اصفهان در این امر پسندیده و آغاز راهی استوار در پیوند دانشگاه با مؤسسات تحقیقاتی تاریخ شفاهی کشور است. پس از تحمل سال‌ها دوری مراکز آکادمیک ایران از مقوله‌ی تاریخ شفاهی، سرانجام گروه تاریخ دانشگاه اصفهان با تشکیل یک نشست تخصصی و کارگاه آموزشی در اردیبهشت سال ۱۳۸۳ اولین گام مورد نیاز را در این عرصه برداشت. اهمیت موضوع از این نظر است که تاریخ در دانشگاه از فرایند طرح فرضیه تا شکل‌گیری نظریه‌ی علمی مسیر خود را طی می‌کند و با محک تجربه و تکرار به قانون علمی تبدیل می‌شود و تا زمانی که نقض آن به اثبات نرسد، عملاً می‌تواند به عنوان مجموعه‌ای قابل استناد مسیر رسیدن به هدف را با حداقل آسیب، امکان‌پذیر سازد.

ورود مصاحبه‌گر با معرفت تاریخی و دانشگاهی به عرصه‌ی ضبط مصاحبه، کاهش فاصله میان صاحبان قلم و صاحب‌نظران آکادمیک در این عرصه است. مواردی، چون بررسی فنون مصاحبه، چگونگی ثبت و ضبط مصاحبه و چگونگی آغاز تا پایان گردآوری خاطرات و کار تدوین، از جمله ارکان اصلی تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی است که نیاز به توجه و آموزش بیشتری از طریق دانشکده‌های رشته‌ی تاریخ شفاهی با تدریس استادان آشنا به علم و تجربه دارد.

شناسایی، ارزیابی، مصاحبه، اجرای خاطرات و تدوین اولیه، بازخوانی به وسیله‌ی مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌گر، طبقه‌بندی موضوع و چاپ سند، ویراستاری و در نهایت، تألیف از ارکان اساسی تحقیقات تاریخ شفاهی برای تبدیل خاطرات شفاهی به سند کتبی است. اختلافات زیادی بین صاحب‌نظران در خصوص مراحل مختلف کار وجود دارد؛ بعضی آغاز تدوین را - در مرحله‌ی ذهنی - نه تنها پس از پایان مصاحبه نمی‌دانند، بلکه آن را در جریان مصاحبه و حتی پیش از شروع مصاحبه ضروری اعلام می‌کنند. این سوء تعبیرها و رسیدن به نقطه‌ی مشترک و قابل قبول از طریق ارتباط بین دانشگاه و مؤسسات تاریخ شفاهی قابل جمع است (طالبی، ۱۳۹۲).

معمولاً برداشت‌های مختلفی نیز از مفاهیم تاریخ شفاهی وجود دارد، حتی درباره‌ی کلمه‌ی «تاریخ شفاهی» نیز نظر واحدی موجود نیست. تاکنون جهت‌گیری اصلی تاریخ شفاهی در ایران بیشتر تدوین یک رشته تک‌نگاری‌های شفاهی با روش نقلی و هدف نهایی آن نیز تولید داده‌های شفاهی بوده است. در نتیجه، به ارزیابی، نقد و تحلیل و حتی ترکیب آنها در یک قالب مشخص، چندان توجه نشده است. تداوم این سنت نشان می‌دهد که هنوز دانش تاریخ شفاهی ایران در آغاز

راه قرار دارد و برای تکامل آن باید افق‌های بلندتری را درنوردید. این امر با عنایت به اشتیاق فراوان علاقه‌مندان این حوزه و با توجه به نشست‌های علمی مستمر و تشکیل انجمن تاریخ شفاهی و همچنین وجود مراکز متعدد و فعال در حوزه‌ی تاریخ شفاهی، دست‌یافتنی است (ملایی توانی، ۱۳۹۰).

به دلیل عدم اطلاع‌رسانی و کم‌کاری مؤلفان عرصه‌ی تاریخ شفاهی در دانشگاه و مؤسسات پژوهشی، امروزه دانش عموم نسبت به مفهوم تاریخ شفاهی و جزئیات آن ضعیف است و اغلب، تعبیر نادرستی از آن وجود دارد که می‌توان از طریق اطلاع‌رسانی در نشریات یا رسانه‌ی ملی در کنار آموزش‌های دانشگاهی به رفع این نقیصه کمک کرد. تشریح فلسفه‌ی تاریخ شفاهی و بیان اهمیت آن در ثبت تاریخ و طرح موضوع در مدارس و دانشگاه‌ها، به رفع معضلات کنونی کمک شایانی می‌کند.

۳- بی‌توجهی به «زمان» که مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در تاریخ شفاهی است

عامل زمان که در بین شفاهی‌کاران به «تقلیل‌گر حافظه و ذهن» معروف شده است، بدترین مانع بر سر راه تاریخ شفاهی است. مشکل «فراموشی» ناشی از گذشت زمان، تغییر در اندیشه و باورها و غلتیدن در ورطه‌ی بی‌میلی در همکاری برای بیان صادقانه‌ی تمامی خاطرات یا فوت راوی و پایان ماجراست. بیشتر راویان افرادی مسن با مشکلات جسمی و پریشانی‌های فکری هستند که به دلیل کهولت و بیمارهای ناشی از کهن‌سالی، امکان تمرکز و توجه لازم برای بیان تمامی خاطرات با جزئیات لازم را ندارند. آرشیو مؤسسات ما پر است از این‌گونه مصاحبه‌های ناتمام.

با این حال، استخراج و واکاوی خاطرات شاهدان عینی جنگ، امری ضروری است. با گذشت بیش از دو دهه از پایان جنگ تحمیلی، آیینی تمام‌نمایی از وضع اسناد و تاریخ شفاهی جنگ در دسترس داریم که با توجه به کارنامه‌ی موجود باید تلاش بیشتری را صرف بهره‌وری از این منابع کنیم. با تبیین آفت‌ها و آسیب‌های موجود در امر نگارش تاریخ شفاهی باید خاطرنشان کرد که خطر فراموشی حوادث دوران دفاع مقدس به وسیله‌ی شاهدان عینی، یکی از مهم‌ترین تهدیدهای این حوزه است. از این‌رو، باید این میراث ملی را در کمترین زمان ممکن به ثبت رساند (طالبی، ۱۳۹۲).

متأسفانه مشکلات جدی و منحصر به فردی در تاریخ شفاهی ایثار و شهادت وجود دارد که در دیگر شاخه‌های این رشته مطرح نیست؛ برای مثال، اگر «تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی» را با «تاریخ شفاهی ایثار و شهادت» مقایسه کنیم، خواهیم دید که مطلعین مبارزات سیاسی در انقلاب اسلامی افرادی هستند که درگیر امور اجرایی و تصمیم‌گیری بوده یا به عنوان شاهد، نظارگر رویدادها بوده‌اند. اینها بعد از انقلاب به راحتی در ایران و خارج از کشور قابل شناسایی هستند و به بیان یا تألیف خاطرات خود همت گماشته‌اند، در حالی که در جبهه‌ی نبرد اوضاع متفاوت بوده است. در مبارزات انقلابی نیز مجروح ناشی از شکنجه و شهیدانی از مبارزات وجود دارند، اما جنگ تحمیلی خسارات جانی بیشتری را در زمانی کوتاه در مقایسه با دوران مبارزات انقلابی متوجه ملت ایران ساخت. شهیدان، مفقودان، اسیران و جانبازانی که بعضی در بدترین وضعیت جسمی و روحی و به تدریج به خیل شهدا پیوستند همگی دلایلی محکم و ضرورت حیاتی برای در اولویت قرار دادن تاریخ شفاهی ایثار و شهادت در سرلوحه‌ی این رشته از تحقیقات در ایران است.

۴- نبود تجارب جهانی و افتادن در دایره‌ی آزمون و خطا

شاید وجود معیارهای ارزش‌مندی، چون عینیت، دقت، جامعیت و واقعی بودن مطالب و اطلاعات تاریخ شفاهی در جریان

مصاحبه باعث قابل استناد بودن این خاطرات شود، اما اطلاعات حاصل از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، به شیوه‌های مختلف در معرض تهدید قرار می‌گیرد و از عینیتی مورد انتظار به تدریج دور می‌شود. باید دید تجارب جهانی در این خصوص چه نظری دارد و راه طی شده چگونه است. اگر از نحوه‌ی استفاده‌ی توسیدید از خاطرات شاهدان جنگ در نوشتن کتاب **تاریخ جنگ در دوران دور** صرف نظر کنیم و تجربه‌ی اولیه‌ی متعلق به پروفیسور آلن نونیز^۲ در سال ۱۹۴۸ میلادی در استفاده از ضبط صوت در جریان مطالعه‌ی بخشی از اسناد تاریخی در دانشگاه کلمبیای آمریکا را نیز مد نظر قرار دهیم (بختیاری، ۱۳۸۷: ۹۸)، در سال‌های اخیر اولین گام در عرصه‌ی تاریخ شفاهی در دانشگاه هاروارد آمریکا برداشته شده است. مباحثی، چون سرمایه‌گذاری مالی و توان ناشی از آن، مالکیت معنوی، دسترسی عمومی و حریم شخصی و سازمانی، تجهیزات دیجیتال پیشرفته و اجرای عملیات علمی در نگهداری اسناد، از جمله نکاتی است که در دیگر کشورها، به خصوص مراکز علمی اروپایی بررسی شده است. در حال حاضر، مراکز زیادی در جهان به این امر مشغول هستند و هر ساله بر حجم تاریخ شفاهی جهان براساس تولیدات جدید و کتاب‌های متعددی که به چاپ می‌رسد، افزوده می‌شود. اکنون نام برخی از مؤسسات مطالعات و تحقیقات تاریخ در ایران و جهان را که مستقیم یا غیرمستقیم به امور تاریخ شفاهی می‌پردازند، بیان می‌کنیم:

- واحد تاریخ شفاهی آستان قدس رضوی، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره)، مؤسسه‌ی فرهنگی و پژوهشی آثار مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)، «دفتر تحقیقات جنگ» و «واحد تاریخ شفاهی» حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بنیاد شهید و امور ایثارگران، مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، مطالعات مرکز اسناد و گنجینه‌ی نظامی، مرکز بررسی اسناد تاریخی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، مرکز تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، کتابخانه‌ی موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دفتر امور ایثارگران قوه‌ی قضائیه، مرکز پژوهش و اسناد نهاد ریاست جمهوری، اداره‌ی کل آرشیوها و کتابخانه‌های صدا و سیما، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، واحد تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد (مرکز مطالعات خاورمیانه)، تاریخ شفاهی چپ ایران (مؤسسه‌ی بین‌المللی تاریخ اجتماعی دانشگاه آمستردام)، بنیاد مطالعات ایران و واحد تاریخ شفاهی دانشگاه کلمبیا (تاریخ شفاهی زنان ایران)، مؤسسه‌ی مطالعات شرقی و آفریقایی لندن (اقتصاد سیاسی ایران)، مجموعه‌ی تاریخ شفاهی روابط دیپلماتیک واشنگتن، مرکز تاریخ شفاهی ایرانیان کلیمی کالیفرنیا، مرکز تاریخ نیروی زمینی پنیسیلوانیای آمریکا.

با توجه به وجود این تعداد مؤسسه و کارشناسان صاحب‌نظر و فعالان باتجربه، بررسی و قضاوت کنید به چه میزان شناخت، رابطه‌ی علمی و مستمر برای هم‌افزایی بین آنان نه به صورت بین‌المللی که در سطح کشوری نیز وجود دارد. در حال حاضر، اگر ثبت و ضبط موضوعی خاطرات، نوعی تاریخ‌نگاری تلقی شود، اطلاعات گسترده‌ی شفاهی به تنهایی و به همین صورت، به محققان مراکز و مؤسسات صاحب امتیاز، پاسخ‌گو نیست. بالاخره این منابع جمع‌آوری شده باید به صورت تفکیکی و مجزا یا با یک موضوع واحد به عموم جامعه ارائه شود. در واقع، شاید وجود تدریجی این‌گونه تألیفات در نشریات، روزنامه‌ها و فصلنامه‌های ادواری، به نوعی به ایجاد زمینه‌ی انتشار کتاب‌های امروزی که در عرف

² - Allan Nevenis

محققان به تدوین تاریخ شفاهی شهرت دارد، منجر شده باشد؛ اما متأسفانه یکی از نقاط ضعف این مطالب، عدم انسجام و پیوستگی آنهاست که بی‌رغبتی را در مخاطبان خود موجب می‌شود (روحانی صدر، ۱۳۹۰).

۵- بی‌توجهی به اقوام ایرانی در تاریخ شفاهی

با وجود شرکت همه‌ی اقوام در پیروزی انقلاب اسلامی و در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران برای دفاع از کشور، با کمال تأسف ما امروزه به ندرت کتاب مستقلی در قالب خاطرات شفاهی و حتی کتبی و خودنوشت، از انقلابیون و رزمندگان هشت سال دفاع مقدس به زبان‌های عربی، کردی، بلوچی، ترکی و ... و لهجه‌ها و گویش‌های گیلکی، لُری و ... داریم. چرا باید یک پیرزن عرب خوزستانی که خانه و کاشانه‌اش را صدام ویران کرده است یا کشاورز کردی که در مقابل هجوم دشمن از ایران دفاع کرده، کسانی که حتی قادر به تکلم زبان فارسی نیستند، خاطرات شفاهی که از آنها منتشر می‌شود، به زبان فارسی باشد؟ درباره‌ی خاطرات شفاهی به زبان‌های کردی، بلوچی، ترکی و دیگر زبان‌ها و گویش‌های رایج در جای جای ایران بزرگ همین‌گونه است. این حق رزمنده‌ی کرد، عرب، ترک و بلوچ است که آنچه را دیده یا شنیده، به زبان و بیانی روایت کند که در اولین وهله برای خودش مفهوم و گویا باشد (یا حسینی، ۱۳۸۹). ظاهراً زبان‌شناسان نیز در علمی کردن پروسه‌ی تحقیقات تاریخ شفاهی هم‌زبانی را در رسیدن به نتیجه بسیار مهم می‌دانند. بیان خاطرات با زبان اصلی راوی و طرح سؤال و انجام مصاحبه و حتی چاپ کتاب به زبان وی و ترجمه به زبان‌های دیگر، ما را به مطلوب واقعی خواهد رساند.

ناتوانی و فقدان امکانات مورد نیاز و نبود آگاهی کافی و دست‌یابی‌های معمول در مرکز یا کلان‌شهرها، برخی اوقات مؤسسات مطالعات و تحقیقات تاریخ شفاهی را از ناب‌ترین و ارزش‌مندترین خاطرات دفاع مقدس در دورافتاده‌ترین مناطق کشور که در سینه‌های قهرمانان عرصه‌ی ایثار و شهادت جای دارد، به فراموشی سپرده است. دریافت خاطرات شفاهی آنان، علاوه بر ایجاد آثاری درباره‌ی انقلاب و دفاع مقدس به زبان‌های مختلف ایران، حس همبستگی ملی و قومی را نیز تقویت خواهد کرد. پژوهش و چاپ کتاب‌هایی، چون بررسی نقش ارامنه‌ی ایران در جنگ حرکتی ارزش‌مند و قابل تقدیر است و باید حمایت شود و تداوم یابد.

۶- عدم اطمینان از حفظ اسرار یا ترس از افشای مسائل شخصی

ترس از افشای مطالب و مسئولیت ناشی از آن نه تنها دغدغه‌ی جدی راویان که مصاحبه‌گران حرفه‌ای نیز بر حقیقت آن اذعان دارند. تعریفی که یا حسینی از یک مصاحبه‌ی ایده‌آل ارائه می‌دهد بر خودداری از ترس بنا شده است. او معتقد است مصاحبه‌ی ایده‌آل «یک گفت‌وگوی خلاق، همه‌جانبه و به دور از هرگونه سانسور یا خودسانسوری و بیان خاطرات به شکل کاملاً شفاف، بدون در نظر گرفتن هرگونه ملاحظات فردی، گروهی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک برای ثبت در تاریخ» است (یا حسینی).

بررسی‌ای که در خصوص نحوه‌ی عملکرد مؤسسات تاریخ معروف جهان انجام شده است، نشان می‌دهد که راهکارهای متعددی برای رفع نگرانی‌های ناشی از عدم اطمینان در حفظ اسرار راوی خاطرات یا ترس از افشای مسائل شخصی تا زمانی خاص وجود دارد. برای مثال، واحد تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد برای جلب اطمینان افرادی که با آنان مصاحبه می‌شود، قبل از آغاز مصاحبه‌ی اولیه، یک توافق‌نامه‌ی رسمی بین راوی و مؤسسه‌ی پژوهشی به امضا می‌رساند. راوی در

این توافق نامه رسماً اعلام می‌دارد که زمان دسترسی به متن مصاحبه برای پژوهش‌گران و عامه‌ی مردم چه تاریخی باشد، ولی در برخی از مؤسسات مصاحبه هنوز ادامه دارد که خاطرات فرد، اگر به فرض اینکه کاملاً رسم امانت‌داری را حفظ کرده باشند، به طور گزینشی یا به وسیله‌ی افراد مختلف بدون انجام فرایندهای مورد نیاز، از جمله تطابق با اسناد موجود و رفع ابهامات و شبهات به چاپ می‌رسد.

۷- مصاحبه‌گر و تدوین‌گر غیرمتخصص به عنوان تهدیدی در تاریخ شفاهی

تخصصی بودن موضوع، حضور مصاحبه‌گر باتجربه در عرصه‌ی دفاع مقدس را می‌طلبد. متأسفانه در برخی از موارد افرادی وارد بحث تدوین شده‌اند که نه سابقه‌ی نویسندگی داشته‌اند و نه پیرامون این حوزه مطالعات چندانی را پشت سر گذاشته‌اند. از این‌رو، هر کسی مطابق ذوق و سلیقه‌ای که دارد، در تدوین دخالت می‌کند و در صورت وجود فرصتی از این‌گونه، به این امر مهم می‌پردازد و مصاحبه‌ی تخصصی را به یک گفت‌وگوی دوستانه تقلیل می‌دهد. هنوز در ایران این مسئله جا نیفتاده است که مطالعه بسیار مهم است و از انجام تکراری کارها جلوگیری می‌کند. در پایان‌نامه‌های دانشگاهی بخشی به عنوان سابقه‌ی موضوع وجود دارد که دانشجو قبل از شروع تحقیق باید ببیند آیا چنین موضوعی یا حتی نزدیک به آن موضوع به وسیله‌ی کسی دیگر انجام شده است یا خیر. در ایران می‌توان از کتاب‌های خاطراتی نام برد که هم‌زمان یا در زمان‌های متفاوت به وسیله‌ی افراد و مؤسسات مختلف و در مکان‌های گوناگون و به طور ناقص در حال انجام است. استادان دانشگاه آپسالای سوئد - از دانشگاه‌های درجه اول جهان - در طی سال تحصیلی، مجاز در حدود پنجاه ساعت تدریس هستند و مابقی را باید به کسب تجربه و تقویت علمی خود با مطالعه، تحقیق و تألیف سپری کنند. فعالان این عرصه باید بدانند که تاریخ شفاهی به عنوان یکی از شیوه‌های پژوهش در تاریخ، حتی در صورت مکتوب‌شدن، خصلتی گفتاری دارد. مصاحبه - به عنوان قلب فرایند تاریخ شفاهی - صرف نظر از رعایت نکات قبل از مصاحبه، همچون رعایت جنبه‌های فنی مصاحبه، مکان مصاحبه، یادداشت‌برداری، روش و زبان ارتباط، جهت دادن به مصاحبه و نحوه‌ی پایان (رسولی‌پور، ۱۳۸۶: ۱۱)، با دو عامل مصاحبه‌کننده و راوی ارتباطی تنگاتنگ یافته و مصاحبه‌کننده به عنوان شنونده‌ی فعال نقشی اساسی دارد تا مصاحبه‌شونده (راوی) در فضایی آرام و بی‌دغدغه دیدگاه‌ها و شنیده‌های خود را شرح و بسط دهد. بدیهی است نقش مصاحبه‌گر در این میان، نقشی فعال و پویاست و گفت‌وگوی متقابل مصاحبه‌گر و راوی با به کارگیری شیوه‌های اصولی و رعایت استانداردهای مصاحبه‌ی تاریخ شفاهی به آشکار شدن زوایای پنهان تاریخ و بازسازی دوباره‌ی آن منجر می‌شود.

در خصوص لزوم آمادگی ذهنی مصاحبه‌شونده و آشنایی مصاحبه‌گر با موضوع، باید خاطر نشان کرد که این ویژگی در عمق‌بخشی به بیان خاطرات کمک شایانی خواهد کرد، چون راوی نمی‌داند که از او چه می‌خواهیم و چه باید بگوید و چگونه باید خاطرات خود را بیان کند. تلاش مصاحبه‌گر و تدوین‌کننده برای به ثمر رساندن و نگارش اثری شفاف امری است بسیار مهم. یکی دیگر از موارد، لزوم روشن کردن ذهن و توجه مصاحبه‌شونده درباره‌ی سبک و سیاق گفت‌وگو در تاریخ شفاهی جنگ است. همچنین در حیطة‌ی روایت شفاهی جنگ تحمیلی، فقدان ارتباط و پیوستگی منطقی و زمانی پرسش‌ها از آسیب‌های تاریخ شفاهی جنگ هستند.

مسئله‌ی ویرایش و تدوین مصاحبه‌ها قبل از چاپ در طی انجام مراحل آرشیوی به منظور استفاده‌ی محققان از موضوعاتی است که کمتر مورد توجه تدوین‌گران بوده است. البته اغلب پژوهش‌گران، تدوین و ویرایش مصاحبه‌ها را در طی فرایند چاپ آن ضروری و عملی می‌دانند. سؤال این است که چه عواملی باعث می‌شود تا این مسئله در دستور کار آرشیوهای شفاهی قرار گیرد؟ آیا انجام این کار با توجه به معیارها و نیازهای محققان، عملی است؟ چه افرادی می‌توانند در انجام این فرایند دخالت داشته باشند؟ (سنابادی عزیز، ۱۳۹۰)

حساسیت امر تا آنجاست که حتی بین راوی و مصاحبه‌گر آقا و خانم نیز تفاوت‌هایی مشاهده شده و در این خصوص پژوهش‌هایی انجام شده است. خانم محمدی در مقاله‌ی «آسیب‌شناسی تدوین زنان تدوین‌گر با محوریت دفاع مقدس»، ضمن بیان سختی‌های تدوین خاطرات بانوان، به‌خصوص در حوزه‌ی دفاع مقدس، ضعف و قوت کار بانوان در تدوین خاطرات را با نگاهی به کتاب‌های یکشنبه‌ی آخر، کفش‌های سرگردان، پوتین‌های مریم، دختران ا. پی. دی (O.P.D.)، از چنده‌لا تا جنگ، دیدار زخم‌ها و دا بررسی کرده و سعی کرده است با نگاهی علمی و مقایسه‌ای کوتاه با کارهایی این‌گونه در تدوین خاطرات به وسیله‌ی آقایان، در نحوه‌ی تدوین این کتاب‌ها آسیب‌شناسی لازم را به انجام برساند (محمدی، ۱۳۹۰).

۸- تردید در انعکاس کامل خاطرات شهدا به وسیله‌ی راویان و خودداری از بیان برخی از خاطرات با این اعتقاد که از ارزش معنوی آن کاسته می‌شود.

ترس‌های واہی از برملا شدن اسناد و رموز جنگ و افتادن در ورطه‌ی خودسانسوری غیرضروری و قرار گرفتن موضوع در هاله‌ای از قداست همراه با بیان احساسی از دقت موضوع می‌کاهد، در حالی که می‌توان راهکارهای مناسبی برای این مشکلات یافت و با در میان نهادن مسائل با راوی بر این نگرانی‌ها و موانع مصاحبه غلبه یافت؛ از جمله آنکه با توافقی خاطرات گرفته‌شده را برای دریافت مجوز چاپ و بررسی موضوع برای تأیید درستی انعکاس مطالب از بیان به تحریر به خود راوی سپرد و زمان انتشار را نیز مشخص کرد تا تبعات روانی ناشی از بیان خاطرات برطرف شود.

ارائه‌ی اطلاعات اولیه به راوی در روشن شدن هدف و نتایج کار در روند کار مصاحبه کمک شایانی خواهد کرد. اطمینان‌بخشی و ایجاد و انتقال آرامش به راوی مهم‌ترین اصل در فضای مصاحبه است. بیشترین ترس راویان ناآگاهی از سرنوشت خاطرات آنهاست. باید این اطمینان را داد که خاطرات گرفته‌شده با کوتاه‌ترین زمان ممکن تحریر می‌شود و برای بازخوانی و تصمیم‌گیری نهایی در خصوص بخش‌های قابل انتشار به راوی بازمی‌گردد. این مهم‌ترین عامل در آرامش راوی است. چه بسیار خاطراتی که به دلیل بی‌نظمی در امور با سرنوشتی نامعلوم در آرشیو مؤسسات تاریخ شفاهی با مهر محرمانه بلا تکلیف مانده‌اند. اتلاف زمان و هزینه‌ی انجام مصاحبه، اشغال مکان نگهداری، مشمول مرور زمان و پایین آمدن ارزش اطلاعات و عدم بهره‌برداری از آنها در زمان خود، بدبینی و نگرانی راوی از سرنوشت خاطرات و عدم ادامه‌ی مصاحبه به وسیله‌ی او و دیگران کمترین بهایی است که مؤسسات بی‌برنامه و با مدیریت غیرعلمی برای سهل‌انگاری‌های از این‌گونه می‌پردازند.

حال چنانچه با این کلیت به تاریخ شفاهی ایثار و شهادت بنگریم، مسائل دیگری نیز مطرح خواهد شد. راوی در این عرصه، مانند نیروهای نظامی برخی کشورها از میان افراد با روحیه‌ی خشن برای کشتن طرف مقابل در مقابل امکانات

مادی وارد جنگ نشده است که شعارش این باشد: «بکش تا کشته نشوی». در جبهه‌ی جنگ ایران و عراق رزمندگانی غالباً جوان، داوطلبانه از میان بااعتقادترین خانواده‌ها برای حفظ میهن و دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور خود با از دست دادن بسیاری از مواهب و امکانات و تحمل سختی‌های بی‌شمار و دوری از خانواده، همسر و فرزندان، دانشگاه، کار، آرامش و سلامت به استقبال آتش و شهادت رفتند. در برابر چنین انسان‌هایی که هر لحظه‌ی جنگ را عبادت می‌دانند و عبادت در قاموس آنها ایجاد خصوصی‌ترین رابطه بین مخلوق با خالق است، چطور می‌توان درخواست بیان سرگذشت معنوی را به زبان حال کرد. اگر آنها راضی به بیان باشند، بعید به نظر می‌رسد از کسانی صحبت کنند و مسائل شهیدانی را بیان کنند که دیگر در میان ما نیستند. سختی و ظرافت کار تا بدانجاست که نیاز به مصاحبه‌گر توانا با مهارت‌های ویژه را غیرقابل انکار می‌سازد. این تهدید هیچ‌گاه صددرصد قابل رفع نخواهد بود. می‌توان راویان را به انجام خاطرات خودنوشت تشویق کرد.

۹- روحیه‌ی برتری‌جویی بر دشمن و مبارزه برای پیروزی و تأثیرش در مصاحبه

رزمنده‌ی دفاع مقدس با یادآوری خاطرات خود و قرار گرفتن در فضای حوادث گذشته که با احساسات شدید او همراه بوده است در موضع دفاعی قرار گرفته و برای تداوم سرکوب دشمن ناخودآگاه ممکن است خاطرات دفاع مقدس را به اغراق نزدیک سازد. جبهه محل جنگیدن است، نابودی خصم به منظور حفظ ناموس، کشور و ارزش‌هایی که به آن اعتقاد داریم. طبیعی است که فشارهای ناشی بر جسم و روح یک انسان آن قدر زیاد است که شیوه‌ی عمل در این بخش از تاریخ شفاهی را با دیگر بخش‌ها متفاوت می‌سازد. اگر واقع‌نگر باشیم، مطالعه‌ی بازماندگان جنگ‌های بزرگ جهان، همچون جنگ‌های جهانی اول و دوم و جنگ ویتنام، ما را به درک این موضوع نزدیک‌تر می‌سازد.

به نظر می‌رسد هرچه زمان مصاحبه به وقوع حادتر نزدیک‌تر باشد، تاریخ آن واقعه غنی‌تر خواهد بود؛ ضمن آنکه هرچه جزئیات مطروحه، مانند مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، مردم‌شناسی و خرده‌فرهنگ‌های جوامع مختلف حاضر در واقعه از طریق تاریخ شفاهی بیشتر ثبت و منعکس شود، تأثیر و ارزش سند برای مورخان تاریخ بیشتر خواهد بود.

واقعیت این است که مؤسسات تاریخ شفاهی باید بدانند که نیازمند همکاری متخصصان رشته‌های مختلفی برای موفقیت در این عرصه هستند. تاریخ شفاهی به دلیل ماهیت بین رشته‌ای خود برای نجات از تهدیدهای گفته‌شده، علاوه بر امکانات مجهز فنی از نظر پشتوانه‌ی علمی نیازمند متخصصان علم تاریخ، سیاست، ادبیات، صاحب‌نظران فرهنگ عامه (فولکلوریست)، جامعه‌شناس، مردم‌شناس و روان‌شناس است.

نتیجه

به نظر می‌رسد بیان تهدیدهای بدون ارائه‌ی راهکار یا پیشنهادهاى حداقلی، برای تاریخ شفاهی ایثار و شهادت چندان مناسب و مفید نباشد. بنابراین، برای رفع عیوب و تهدیدهای برشمرده راهکارهای پیشنهادی زیر ارائه می‌شود:

۱- طراحی شیوه‌نامه‌ی تاریخ شفاهی دفاع مقدس (برای یکدست شدن شیوه و روش و نزدیک شدن به معیارهای

علمی)

۲- تأسیس بانک اطلاعات ملی تاریخ شفاهی دفاع مقدس (با اطلاع‌رسانی به منظور پرهیز از موازی‌کاری)

۳- نشست‌های منظم و مداوم علمی به منظور هم‌اندیشی بین استادان دانشگاه با فعالان مؤسسات تحقیقاتی تاریخ شفاهی.

- ۴- رفع تهدیدهای امنیتی و سیاسی و اطمینان بخشیدن به راوی در فضای کاملاً قابل اعتماد.
 - ۵- بهره‌گیری از فضای مجازی برای سرعت بخشیدن به امر مصاحبه و دریافت اطلاعات در کمترین زمان.
 - ۶- تألیف فرهنگ تاریخ شفاهی به وسیله‌ی استادان فن برای یکدست شدن مفاهیم و درک مشترک.
 - ۷- مصاحبه به زبان راوی و ترجمه‌ی خاطرات تاریخ شفاهی اقوام و اقلیت‌ها و انتشار آن در مناطق مورد نظر.
 - ۸- اطمینان‌بخشی به راوی در حفظ خاطرات و انتشار شایسته‌ی آن.
 - ۹- خروج انحصاری از نخبه‌گرایی به عامه‌ی مردم. برخی اوقات حلقه‌های میانی یا شاهدان کناری از زاویه‌ی دیگر درک بهتری از رویدادها داشته‌اند؛ افرادی، چون خبرنگاران، جهادگران و نیروهای امدادی هلال احمر.
 - ۱۰- پرورش مصاحبه‌گران حرفه‌ای از میان رزمندگان دفاع مقدس.
 - ۱۱- اجرای مصاحبه در مناطق جنگی برای ایجاد حس و حال مورد نیاز و یادآوری برخی از خاطرات فراموش‌شده.
 - ۱۲- شناسایی و رفع تهدیدهای ناشی از راوی، شامل: اطمینان‌بخشی، تشریح روند پیش رو، ترسیم نتایج مورد انتظار، رفع مشکلات انگیزشی، همراهی با او و کمک به حافظه.
 - ۱۳- شناسایی و رفع تهدیدهای ناشی از مصاحبه‌گر، شامل: آشنا نبودن با اصول و فنون مصاحبه‌ی تاریخ شفاهی ایثار و شهادت، نداشتن شناخت کافی از مصاحبه‌شونده، نداشتن شناخت کافی از موضوع مصاحبه، ترتیب نامناسب در مطرح کردن سؤال‌ها، نامناسب بودن ظاهر، واکنش‌های نامناسب کلامی و غیرکلامی به اظهارات و رفتارهای مصاحبه‌شونده، ضعف در گوش دادن فعال و هم‌عصر و هم‌شأن نبودن مصاحبه‌گر با مصاحبه‌شونده. (فروزفر، ۱۳۹۰).
- شایسته است مصاحبه‌گر و راوی از نظر سن، ظاهر، زبان و علایق به هم نزدیک باشند. یک رزمنده‌ی دفاع مقدس به خوبی درک خواهد کرد که یک راوی عرصه‌ی ایثار و شهادت از چه حادثه و مکانی حرف می‌زند. پس تأکید می‌شود رزمندگان باسابقه را آموزش دهیم و برای مصاحبه‌ی کاملاً موفق آماده کنیم.

منابع

- امجدی، مریم (۱۳۸۱). پوتین‌های مریم؛ خاطرات مریم امجدی، تهران: سوره مهر.
- بختیاری، محمدرضا (۱۳۸۷). «تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی» در مجموعه مقالات نخستین همایش تاریخ شفاهی، تهران: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران.
- بوداغانس، آرمان (۱۳۸۵). بررسی نقش ارامنه‌ی ایران در جنگ، تهران: نشر حیات با همکاری انتشارات سریر.
- جعفریان، گلستان (مصاحبه و تدوین) (۱۳۸۶). از چنده‌لا تا جنگ؛ خاطرات شمسی سبحانی، تهران: انتشارات سوره مهر.
- حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۷). «نقش دانشگاه‌ها در گسترش تاریخ شفاهی» در مجموعه مقالات نخستین همایش تاریخ شفاهی، تهران: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران.
- حسینی، سیداعظم (۱۳۸۷). دا؛ خاطرات سیده زهرا حسینی، تهران: انتشارات سوره مهر.
- رامهرمزی، معصومه (۱۳۸۸). یکشنبه آخر، تهران: انتشارات سوره مهر حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- رسولی‌پور، مرتضی (۱۳۸۶). «تأملاتی در تاریخ شفاهی و مروری بر نخستین همایش تاریخ شفاهی ایران»، در فصلنامه‌ی تاریخ معاصر ایران، شماره‌ی ۴۱.
- روحانی صدر، حسین (۱۲ بهمن ۱۳۹۰). «شفاف‌نگاری، راهی ساده در توسعه‌ی تدوین تاریخ شفاهی»، خلاصه مقالات هفتمین نشست تاریخ شفاهی، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- سنابادی‌عزیز، حسین (۱۲ بهمن ۱۳۹۰). «نقش مصاحبه‌گر در تدوین مصاحبه‌های تاریخ شفاهی»، در خلاصه مقالات هفتمین نشست تاریخ شفاهی، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- طالبی، محمد (۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۲). «اصول و شیوه‌ی مصاحبه و تدوین در تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی»، پایگاه اطلاع‌رسانی کنگره‌ی شهدای استان مازندران.
- فرجام‌فر، سهیلا (۱۳۸۱). کفش‌های سرگردان، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری سوره مهر.
- فروزفر، علی (۱۳۹۰). «چه خطراتی مصاحبه‌ی تاریخ شفاهی را تهدید می‌کند؟»، در وبلاگ تاریخ شفاهی دفاع مقدس، <http://k-faramarzi.blogfa.com/post/>
- محمدی، لیلا (۱۲ بهمن ۱۳۹۰). «آسیب‌شناسی تدوین زنان تدوین‌گر با محوریت دفاع مقدس»، در خلاصه مقالات هفتمین نشست تاریخ شفاهی، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- محمدی، لیلا (مصاحبه و تدوین) (۱۳۸۱). دختران آبی دی؛ خاطرات شفاهی مینا کمایی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری، سوره مهر.
- محمودزاده، نصرت‌الله (۱۴ بهمن ۱۳۸۶). «تعاملات مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده در تاریخ شفاهی»، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگ و ادب پایداری، تاریخ شفاهی ایران.
- میرزاعلی، معصومه (۱۳۸۶). دیدار زخم‌ها، مصاحبه و تدوین لیلا محمدی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری شرکت انتشارات سوره مهر.

- ملایی توانی، علیرضا (۱۲ بهمن ۱۳۹۰). «افق‌های آینده و راه‌های طی‌نشده در تاریخ شفاهی ایران»، خلاصه مقالات هفتمین نشست تاریخ شفاهی، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- هاشمی، سیده میترا (۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۲). «آراء مختلف درباره‌ی تحریر در تاریخ شفاهی»، پایگاه اطلاع‌رسانی کنگره‌ی شهدای استان مازندران.
- یاحسینی، سیدقاسم (۱۵ دی ۸۹). «آسیب‌شناسی مصاحبه در تاریخ شفاهی ایران»، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگ و ادب پایداری، هفته‌نامه تاریخ شفاهی، شماره‌ی ۸.
- _____ (۲۲ دی ۱۳۸۹). «تاریخ شفاهی جنگ و مسئله‌ی قومیت‌ها در ایران»،؟؟ شماره‌ی ۹.
- _____ (۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۲). «مفهوم تدوین و شیوه‌های تدوین در تاریخ شفاهی ایران»، پایگاه اطلاع‌رسانی کنگره‌ی شهدای استان مازندران.

<http://www.oral-history.ir>

- Donald C. Swain, *Problems for Practitioners of Oral History*, Davis, University of California, V 28, N 1, January 1965, p 63.